[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]

Journal of Studies in Applied Language (JSAL), **Vol. 6, No. 1**, Winter 2023, pp. 79–99. ISSN: 2980-9304
© Bonyan Pouya Pajooh Andisheh Institute (BPPAI), 2023. This is an Open Access article, distributed under the terms of the Creative Commons Attribution licence (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits unrestricted re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the originalwork is properly cited.

Analyzing the Element of Time in the Novel "In the Spider's Pavilion" based on Gerard Genet's Theory of Narrative Time [In Persian]

Safiyeh Naghi Jalalabadi[1*], Hossein Tak tabar[2]

1 MA of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Qom, Iran
2 Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Qom, Iran
***Corresponding author:** bbaharii333@gmail.com

Received: 01 Sep, 2022 *Revised: 28 Jan, 2023* *Accepted: 20 Feb, 2023*

[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

ABSTRACT

The tale is seen by French thinker Gérard Genet as the signification or narrative content. Genet defines narrative as the genuine meaning of the word signification, expression, discourse, or narrative. He uses his unique terminology and analyzes three different forms of temporal relationships (order, continuity, and frequency) between the time of the tale and the time of the narrative text when talking about time. The current study uses Genette's theory of narrative time to analyze the book Fi Khamrah al-Ankabut. Mohammad Abdul Nabi, who was a 2017 Booker Prize nominee, is the author of this book. There are 39 unnamed chapters in this work, and each one alternates between the present, the past, and the past in the past. One may comprehend the significance and unique role of this strategy in effectively moving the plot along by looking at how time is used in the spider's room in the novel. This story's circular manner of storytelling, which places the story's ending at the same geographical starting spot as the beginning, demonstrates the accuracy of the author. The novel The Room of the Spider may be seen as one of the multi-layered works from the perspective of time. After the primary story begins, subsidiary narratives are developed next to it in a thoroughly organized manner to achieve the narrator's purpose. Mohammad Abdul Nabi reveals to the reader the passage of time for the story's protagonists and information about the different crises facing Egypt at the time by jerking the narrative's timeline with time previews and time returns. Hindsight serves the greatest purpose in the book in terms of temporal components in the area of order and order, and it should best utilize all four parts of delay, deletion, summary, and dramatic scene. Although the work is known for its recollection and time travel formats, and it is believed that the narrator would appear more frequently, the author has chosen to employ single frequencies more frequently than other varieties.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]

[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

This demonstrates the author's command of the material as well as his capacity to write a variety of settings. Since the book In the Spider's Room is based on an actual incident that has been recorded in Egyptian history, reality plays a significant role in it. The narrator illustrates the realities of Egyptian society both directly and inadvertently while telling the tale of "Hani," one of the victims of the "Kevin Boot" scandal.

Keywords: Fi-Khamra al-Ankabut, Mohammad Abdul Nabi, Narratology, Gerard Genet, Theory of time, Discourse Analysis.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]

[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

بررسی عنصر زمان در رمان «فی غرفه العنکبوت» براساس نظریه زمان روایت ژرار ژنت

صفیه نقی جلال آبادی [1*]، حسین تک تبار [2]

۱. کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، ایران

***نویسنده مسئول مقاله** Email: bbaharii333@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

چکیده

ژرار ژنت نظریه پرداز فرانسوی، روایت را به مفهوم واقعی کلمه دالّ، بیان، گفتمان یا روایت معنا می‌کند و داستان را مدلول یا محتوای روایی می‌داند. وی در بحث مفهوم زمان اصطلاحات خاص به خود را بیان می‌کند و سه نوع رابطه زمانی (نظم، تداوم، بسامد) میان زمان داستان و زمان متن روایی در نظر می‌گیرد. پژوهش حاضر بر اساس نظریه زمان روایی ژنت به بررسی رمان في غرفة العنکبوت می‌پردازد. این رمان یکی از آثار محمد عبدالنبي است که در سال ۲۰۱۷ میلادی کاندیدای دریافت جایزه بوکر شد. این اثر از ۳۹ فصل تشکیل شده که تمامی فصول بدون عنوان است و هر فصل در بین زمان حال، گذشته و گذشته در گذشته در جریان است. با بررسی عنصر زمان در رمان في غرفة العنکبوت می‌توان به میزان اهمیت و کارکرد ویژه‌این تکنیک در پیشبرد هر چه بهتر داستان پی برد. شکل روایت در این داستان به صورت دایره وار است به طوری که داستان در همان نقطه شروع خود از لحاظ مکانی تمام می‌شود که نشان دهنده میزان نکته سنجی نویسنده است. از نظر زمانی نیز رمان في غرفة العنکبوت را می‌توان جزء آثار چند لایه در نظر گرفت که با شروع روایت اصلی در کنار آن و به صورت کاملاً طبقه بندی شده روایت‌های جانبی شکل می‌گیرند تا راوی را به هدف خود برسانند. محمد عبدالنبي با برهم زدن خط سیر زمانی روایت بوسیله پیشوازهای زمانی و بازگشت‌های زمانی، در ضمن این زمان پریشی شخصیت‌های داستان و اطلاعاتی درباره مسایل مختلف مصر در آن دوره زمانی را به خواننده انتقال بدهد. از حیث مؤلفه‌های زمانی در حوزه نظم و ترتیب، گذشته نگری بیشترین کارکرد را در رمان داشته و در تداوم

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

نیز از هر چهار عنصر درنگ، حذف، تلخیص و صحنه نمایشی به بهترین وجه استفاده کند. هر چند که رمان با قالب خاطره گویی و بازگشت‌ها زمانی همراه است و انتظار می‌رود که شاهد میزان بیشتری از بسامد بازگو باشیم اما نویسنده بیشتر از بسامد منفرد تا دیگر انواع آن استفاده کرده است. این نشان دهنده تسلط نویسنده بر موضوع و همچنین توانایی او در ایجاد صحنه‌های متنوع است. رمان في غرفة العنكبوت رمانی برگرفته از ماجرایی واقعی است که در تاریخ مصر ماندگار شده بنابراین جنبه واقعگرایی در آن نمود بارزی دارد. راوی در مسیر نقل سرگذشت «هانی» به عنوان یکی از قربانیات ماجرای «کوین بوت» شرایط و اوضاع جامعه مصر را به صورت مستقیم و غیر مستقیم نیز نشان می دهد.

واژگان کلیدی: فی غرفة العنكبوت، محمد عبدالنبي، روایت شناسی، ژرار ژنت، نظریه زمان، تحلیل گفتمان.

مقدمه

قصه، داستان و رمان همگی واژه‌های کم و بیش آشنا هستند که در زندگی بشر قدمتی دیرینه دارند. هر داستان، روایتی از واقعه‌ای است که در بستر زمان شکل می‌گیرد. واژه روایت مکرر در مراودات روزانه به دور از هرگونه ابهامی بکار برده می‌شود اما در هنگام ارائه تعریفی دقیق از آن باید مفاهیم متفاوت دیگری را از این واژه جدا کرد. همانطور که ریمون کنعان می‌نویسد: «هر آنچه داستانی را بازگو کند یا نمایش دهد، روایت نام دارد و نقل حوادث به این معنی است که روایت‌ها در برهه‌ای زمانی و به صورت متوالی و پیوسته اتفاق می‌افتند. داستان را چکیده‌ای از رخدادهای روایت شده و شرکت کنندگان متن، تعریف کرده و آن را بخشی از یک برساخت بزرگتر یعنی جهان داستانی یا سطح بازسازی یا بازنموده شدهٔ واقعیت در نظر می‌گیرند که اشخاص داستان در آن زندگی می‌کنند و رخدادها نیز در آن به وقوع می‌پیوندند.» (ریمون کنعان، ۱۹۹۵: ۲۳) اولین بار تزوتان تودوروف واژه روایت شناسی را به عنوان علم مطالعه قصه به کاربرد و یادآور شد که مقصودش از این واژه معنای وسیع آن است. یعنی روایت شناسی علاوه بر بررسی قصه، داستان و رمان تمامی اشکال روایت از قبیل اسطوره، فیلم، رویا و نمایش را نیز در بر می‌گیرد.(اخوت، ۱۳۷۱: ۷) ژرار ژنت نظریه پرداز فرانسوی از تأثیر گذارترین افراد در این حوزه است و«روایت شناسی ژنت بی تردید جامع‌ترین و پُرکاربردترین رویکرد در این حوزه است. تقریباً هیچ جنبه‌ای از

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

روایت نیست که ژنت اصطلاحی برای آن ابداع نکرده و نکوشیده باشد به طرزی نظام مند آن را تبیین کند.» (پاینده، ۱۳۹۷: ۲۱۴) وی روایت را به مفهوم واقعی کلمه دالّ، بیان، گفتمان یا روایت معنا می‌کند و داستان را مدلول یا محتوای روایی می‌داند. همچنین مجموعه شرایط واقعی یا داستانی که در آن جای می‌گیرد را روایتگری کنش روایی می‌نماید.(ژنت، ۱۳۹۸: ۷) بنابراین روایت در رابطه با زمان دو گانه است یکی زمان مدلول و یکی زمان دال «متن روایی مثل هر متن دیگر هیچ سویه زمانمندانه‌ای ندارد جز آن سویه زمانی که به طور کنایی از زمان خواندن خود به دست می‌آورد. » (ژنت، ۱۳۹۸: ۱۴) ژنت در بحث مفهوم زمان اصطلاحات خاص به خود را بیان می‌کند و سه نوع رابطه زمانی میان زمان داستان و زمان متن روایی در نظر می‌گیرد: ۱. نظم و ترتیب؛ ۲. تداوم؛ ۳. بسامد. هدف از این نوشتار بررسی مؤلفه‌های زمان از منظر ژرار ژنت در فرآیند تکوین روایت نویسی در رمان في غرفة العنكبوت است. در ضمن این بررسی تلاش شده به این پرسش ها پاسخ داده شود:

۱. نظریه زمان روایی ژنت تا چه میزان با رمان في غرفة العنكبوت نوشته محمد عبد النبي قابل انطباق است؟

۲. محمد عبد النبي تا چه میزان از عناصر شتاب دهنده زمان مثل خلاصه و حذف را در این رمان استفاده کرده است؟

پیشینه تحقیق

در مقوله نظریات زمان روایی ژنت مقاله و پایان نامه‌های بسیاری نوشته شده که در آن‌ها داستان و رمان‌های مختلفی براساس آن تحلیل شده‌اند. در ادامه به برخی از نمونه‌هایی که قرابت بیشتری با تحقیق حاضر داشته اشاره می‌شود؛ همچون مقاله "بررسی روایت در رمان «چشم هایش» از دیدگاه ژرار ژنت" نوشته محمد پاشایی که در مجله علمی_ پژوهشی زبان و ادب فارسی، شماره ۲۳۱ به چاپ رسیده است، پنج مقوله محوری عناصر روایت یعنی نظم، تداوم، بسامد، وجه و لحن از نظر ژنت در داستان چشم‌هایش مورد بررسی قرار داده است. در مقاله "زمان و روایت" اثر قدرت قاسمی پور که در مجله نقد ادبی، شماره۲چاپ شده به بررسی زمان از نظر ساختارگرایان می‌پردازد و علاوه بر آن در پایان مقاله انواع روابط میان زمان روی دادن رخدادها در

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

داستان و زمان نقل و روایت آن‌ها از جانب راوی هم پرداخته شده است. در مقاله دیگری که در مجله لسان مبین شماره۱۷ با عنوان "روایت شناسی رمان «عمارت یعقوبیان» اثر علاء الاسوانی براساس نظریهٔ روایتی ژرار ژنت" اثر صلاح الدین عبدی، زهرا افضلی و میترا خدادایان به چاپ رسیده یکی از برجسته‌ترین رمان‌های علاءالاسوانی به نام «عمارت یعقوبیان» براساس این نظریه مورد تحلیل واقع شده است. در مقاله‌ای دیگر به نام "تحلیل ساختاری زمان در رمان درخت انجیر معابد با تأکید بر نظریه ژنت" که مجله فنون ادبی در شماره ۱۹ خود آن را چاپ کرده، اثر صفیه توکلی مقدم و فاطمه کوپا است با بررسی آخرین رمان احمد محمود بر اساس نظریة ژنت، چگونگی ساختار زمانی در این روایت را با شیوه‌ای تحلیلی- استنباطی واکاوی کند. با وجود پژوهش های صورت گرفته تا کنون پژوهشی در زمینه آثار محمد عبدالنبي صورت نگرفته است از این رو جستار حاضر به بررسی رمان في غرفة العنكبوت بر اساس نظریه زمان روایی ژرار ژنت می‌پردازد.

معرفی داستان

رمان في غرفة العنكبوت رمانی تاریخی و اجتماعی است و از ۳۹ فصل تشکیل شده که تمامی فصول بدون عنوان است و هر فصل در بین زمان حال، گذشته و گذشته در گذشته در جریان است.

"اسمم هانی محفوظ است." این معرفی بسیار ساده، صریح و در عین حال عمیق از شخصیت اصلی داستان است. روایتی که توسط هانی بازگو می‌شود در واقع بخشی از وقایع زندگی اوست. ماجرا از شب دستگیری او به همراه دوستش عبدالعزیز به وسیله پلیس امنیت اخلاقی به جرم همجنسگرایی شروع می‌شود. در طی مسیر عبدالعزیز که از خانواده‌ایی سرشناس است با دادن رشوه به مأموران موفق می‌شود تا با وکیل خانوادگی تماس بگیرد. وکیل بزرگ یکی از کارآموزانش را برای رسیدگی می‌فرستد و او نیز موفق می‌شود تا همان شب و قبل از هر گونه بازجویی عبدالعزیز را آزاد کند. وکیل که عمق فاجعه‌ی در حال رخ دادن را حس کرده به عبدالعزیز توصیه می‌کند تا منکر دوستیش با هانی شود. در نهایت هانی بازداشت و عبدالعزیز آزاد می‌شود.

در طی بازجوی‌های وحشناک و شرایط نامساعد زندان هانی دچار اختلال روانی به نام هیستری می‌شود. بعد از مدتی با برگزاری دادگاهی نمایشی برای تمامی بازداشت شدگان احکامی

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

صادر می‌شود. هانی که جزء تبرئه شده هاست به علت جدایی شیرین، همسرش مجبور می‌شود نزد پرنس، مردی میانسال که حامی او قبل از زندان است بماند.

هانی به پیشنهاد دوست روانشناسش دکتر سمیح شروع به نوشتن خاطرات زندگی‌اش می‌کند. دکتر از او می‌خواهد تا هر آنچه را که از دوران زندگی اش به خاطر می‌آورد بنویسد و این سرآغاز روایتی از زندگینامه‌ی هانی می‌شود. طی این یادآوری‌های و بیان رخدادها قضیه‌ای واقعی در تاریخ مصر به نام کوین بوت رقم می‌خورد. واقعه‌ای که واکنش‌های بسیاری را در سطح بین الملل به خود معطوف می‌کند. انتهای داستان نیز "هر چیزی در این لحظه می‌تواند اتفاق بیفتد" امکان رخ دادن دوباره گردونه‌ایی دیگر را به تصویر می‌کشد.

تحلیل رمان براساس زمان روایی ژرار ژنت

ژرار ژنت در کتاب « گفتمان روایی» روایت را به سه سطح نقل، داستان و روایت تقسیم می‌کند که منظور از نقل، ترتیب واقعی رویدادها در متن است. اما داستان تسلسلی است که رویدادها عملاً در آن اتفاق می‌افتد و می‌توان آن را از متن استنباط کرد و روایت همان عمل روایت کردن است.(ایگلتون، ۱۳۸: ۱۴۵) وی برای زمان روایت سه سطح در نظر می‌گیرد:

مولفه نظم و ترتیب

منظور از نظم و ترتیب و یا زمانمندی در روایت این است که زمان به عنوان ابزاری در اختیار نویسنده قرار بگیرد تا به وسیله آن بتواند با تغییراتی که در مسیر حرکت مستقیم و خطی آن ایجاد می‌کند باعث جذابیت روایت خود شود. به بیان دیگر نویسنده وقایع را پیش و پس می‌کند و با ایجاد نظم و توالی جدیدی برای داستان، آغاز و میانه و پایانی دلخواه در نظر می‌گیرد و طی آن شخصیت یا درونمایه‌ای را می‌پروراند و وارد عمل می‌کند. (ریکور، ۱۳۸۴: ۱۱۲) ژنت نیز صورت‌های مختلف ناهماهنگی میان نظم داستان و روایت را زمان پریشی روایی می‌نامد و بیان می‌کند که « نظام ترتیب رخدادها یا بخش‌های زمانمند در گفتمان روایی با نظام توالی همین رخداد یا بخش‌های زمانمند در داستان مقایسه می‌شود، به گونه‌ای که یا روایت خود به وضوح به نظم داستان اشاره می‌کند یا باید از طریق نشانه‌های غیر مستقیم به آن پی برد.» (ژنت، ۱۳۹۸: ۱۵)

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

به طور کلی تمام ناهماهنگی‌های زمانی شامل دو روایت بازگشت‌های زمانی و پیشوازهای زمانی است.

الف) بازگشت زمانی: هر زمان پریشی نسبت به روایتی که در آن قرار دارد - روایتی که به آن پیوند می‌خورد- از لحاظ زمان، روایتی فرعی ایجاد می‌کند که در این نوع نحو روایی تابع روایت اولیه است و به این سطح زمانمند روایت که زمان پریشی را در ارتباط با آن تعریف می‌شود را روایت اولیه می‌نامد.(ژنت، ۱۳۹۸: ۲۵-۲۶) در این حالت اگر زمان روایی مربوط به گذشته‌ای قبل نقطه شروع زمانی روایت اولیه باشد، بازگشت زمانی بیرونی نامیده می‌شود و اگر مربوط به حوادث بعد از زمان روایت باشد را بازگشت زمانی درونی می‌نامند.(ژنت، ۱۳۹۸: ۲۶-۲۷)

روایت رمان في غرفة العنكبوت براساس خاطرات و تمایلات ذهنی هانی، راوی رمان بیان می‌شود بنابراین ترتیب زمانی قرار گرفتن وقایع متفاوت از زمان تقویمی حوادث است. هانی خاطراتش را با روایت اصلی اما به صورت پس نگرانه شروع می‌کند. جمله آغازین رمان:"أذكر الآن جيداً كيف بدأ هذا الكابوس. " (عبدالنبي، ۲۰۱۷: ۹)

خواننده را آماده می‌کند تا شاهد روایتی از گذشته باشد یعنی زمان دستگیری هانی و عبدالعزیز که سرآغاز روایت اصلی است. نحوه دستگیری و تمام حرف هایی که بیان می‌شود ماجرای فصل اول را تشکیل می‌دهد. هدف از این بازگشت به عقب فقط نشان دادن ویژگی زندگینامه‌ای بودن روایت نیست بلکه تلاش برای رسیدن به نقل واقعه‌ای تاریخی است. آنچه از این آغاز انتظار می‌رود ادامه ماجراهای پس از دستگیری است اما با شروع فصل دوم همه چیز به یکباره تغییر می‌کند و خواننده با فضایی جدید در داستان آشنا می‌شود: " إسمي هانی محفوظ و كنتُ طفلاً وحيداً مدللاً من الجميع، كأن أمي الشمس و أبي القمر." (همان، ۱۳)

این جمله تداعی کننده یوسف زیبای قصه‌های قرآنی است اما با این تفاوت که مادر هانی خورشید و پدرش ماه و البته بدون هیچ ستاره‌ای که در اطرافش بدرخشد. این معرفی صریح باعث شده تا جلوی جولان بیشتر سوالات را در ذهن خواننده بگیرد. این روند کلی در ابتدای داستان آنقدر ادامه پیدا می‌کند تا خواننده اطلاعات کلی را درباره افراد سهیم در داستان پیدا کند. سیر زمانی در کودکی هانی ادامه می یابد تا به علت این نوشتن خاطرات برسد که:" كان طبيبي النفسي، دكتور سميح، قد قال لي اكتب يا هانی، أرجوك، أبعث لي إيميلات بانتظام أو حتى رسائل على الموبايل، ..." (همان، ۴۱)

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

خواسته پزشکی روانشناس که تلاش می‌کند هانی را وادار به نوشتن کند اما واقعاً دلیل این باز یادآوری چیست؟ با تصویر سازی از وضعیت اتاق محل سکونت هانی، قرص های آرامبخش و تنهایی او همگی خواننده را به چالش های بزرگتر دعوت می‌کند که چرا هانی بعد از آزادی از زندان به جای رفتن به خانه‌اش به این اتاق پناهنده شده است؟ و به چه علت به جای صحبت کردن درباره آنچه برسرش آمده آن‌ها را می‌نویسد؟ راوی با زیرکی خواننده را کنجکاو و البته تشنه دانستن می‌کند در نهایت به لال بودن او اشاره کرده اما این خود شروع سوالات دیگری است، چرا او قادر به تکلم نیست؟ آیا از همان کودکی نمی‌توانسته؟ پس چرا در آغاز داستان او جواب مأموران را داده بود؟ و سؤالاتی از این قبیل که مخاطب را وادار می سازد تا با هانی همراه شود البته الآن دیگر او می‌داند که نباید توقع شنیدن صدایی از هانی داشته باشد پس با نوشته‌های او همراه می‌شود.

هدف راوی در طی این بازگشت‌ها فقط دادن اطلاعات درباره شخصیت‌ها نیست بلکه به برخی از شرایط اجتماعی نیز اشاره می‌کند. رشوه دادن عبدالعزیز به مأموران، آمدن وکیل عبدالعزیز و نحوه آزادی او حتی چگونگی دستگیری بازداشتی شده‌ها همگی نشان از عمق نفوذ فساد در دستگاه حکومتی مصر دارد. آزاد شدن عبدالعزیز و آمدن وکیلی کارآموز به جای وکیل خانوادگی نیز این موضوع را تداعی می‌کند که تمام آنچه در حال رخ دادن است بازی بیش نیست و در این میان عده‌ای قربانی می‌شوند تا مسئولین جامعه به خواسته خودشان برسند. بازجویی از بازداشت شدگان هم آن قدر وحشیانه است که هانی اعتراف می‌کند که همگی حاضریم آنچه را می‌خواهند بنویسند تا امضا کنیم که به نوبه خود تأییدی بر این مسئله است. به هر حال آنچه واقعیت دارد این است که این ماجرا در تاریخ مصر به کوین بوت معروف شده اما چرا؟!"كان مشهد الذروة في فجر الجمعة ۱۱مايو ۲۰۰۱،... و كان اسمه الكوين بوت أو مركب الملكة ناريمان. و هو الاسم الذي اشتهرت به القضية كلها في وسائل الإعلام،..."(عبدالنبي، ۲۰۱۷: ۴۹)

هر چند که این واقعه دو سه روزی بعد از دستگیری هانی اتفاق می‌افتد ولی فقط یک پرونده به این نام ثبت و دادگاه همه بازداشت شدگان در یک روز برگزار می‌شود. از پنج سال حبس تا تبرئه احکامی صادر می‌شود و ماجرا به ظاهر به اتمام می‌رسد. اما حکم آزادی برای هانی سرآغاز سرگردانی است، بدون خانه‌ای برای زندگی، همسری که چشم براهش باشد و دخترکی که او را در

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

آغوش بگیرد. داستان با تمام فراز و فرود هایش در خاطرات هانی جریان می‌یابد تا راوی را به تمام اهدافش برساند.

آنچه از گذشته نگری بیان شد به علت آنکه در مسیر خط اصلی روایت شکل گرفته از نوع گذشته نگری درونی به شمار می‌آید. از این دست بازگشت‌های زمانی می‌توان در تمام داستان به فراخور حوادث مشاهده کرد. بنابراین کاملا بدیهی است که از لحاظ بسامدی نیز بیشترین میزان را در رمان به خود اختصاص دهد چرا که خاطرها باید شکل بگیرند تا بتوان از آنها نوشت.

یکی از ویژگی های جذاب رمان نحوه‌ی ورود شخصیت‌های مختلف به صحنه نمایش است به این صورت که در ضمن معرفی شخصیتی، شخصیت دیگر وارد ماجرا می‌شود و داستانی به موازات روایت اصلی شکل می‌گیرد که از نوع گذشته نگری‌های برون داستانی محسوب می‌شود. هانی غرق در خاطرات کودکی وارد گذشته‌های دور در زندگی پدربزرگش می‌شود. این آشنایی همراه با واژه‌هایی همچون "أتخیل" و یا "کما یقولون" می باشد تا بفهماند آنچه در اینجا گفته شده فقط شنیده‌هایی است که امکان عدم واقعی بودن آن وجود دارد پس هر زمان خلاف آن آشکار شود نویسنده از آن مبراست. به هر حال هانی از معرفی خودش به پدربزرگ و پس از آن به پدرش می‌رسد. او در ضمن یاد آوری آشنایی پدر با مادرش، شروع به معرفی خاله حسنیه خواننده‌اش می‌کند. این بهم تنیدگی اطلاعات نه تنها باعث سردرگمی خواننده نمی‌شود بلکه با دادن اطلاعات به صورت تکه‌های پازل تلاش می‌کند خواننده را تا آخر داستان بکشد.

ب) پیشواز زمانی: این نوع وجه زمانی روایت برخلاف بازگشت به گذشته، حوادث داستان را رو به جلوتر می‌برد و حوادثی را بیان می‌کند که هنوز در سیر روایی داستان روی نداده‌اند و یا در زمان آینده رخ خواهند داد.(جینت، ۱۹۷۷: ۷۶) پیشوازهای زمانی به مانند پیش‌نگری، نشانه بی‌حوصلگی روایی است. اما به نظر می‌رسد از ارزشی معکوس نیز برخوردار باشند. پیشوازها از پیش به رخدادی اشاره می‌کنند که در زمان خود به تفصیل نقل خواهند شد و نقش اعلام قبلی را بر عهده دارند. (ژنت، ۱۳۹۸: ۴۵-۴۶)

هر چند رمان في غرفة العنكبوت بیان واقعه‌ای تاریخی است و به تبع آن افعالی با سیاق زمانی گذشته را می‌طلبد اما راوی توانسته با استفاده از پیشوازهای زمانی معدود در بزنگاه‌ها، داستان را برای خواننده جذاب کند. کارکردهای آینده گویی در این رمان بر اساس وضعیت شخصیت‌ها متفاوت است و فقط نقش کاهنده سرعت روایت را ندارند. هانی که در تصویر سازی زیرکانه

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

شخصیت‌های زندگی‌اش اطلاعات را به صورت تو در تو و مختصر بیان می‌کند خواننده را با خود همراه کرده تا به اصل ماجرا پی ببرد. از شخصیت‌های اسرار آمیز رمان عبدالعزیز است که روایت اصلی با همراهی او شروع می‌شود اما با ادامه داستان تبدیل به فردی در سایه شده تا آنکه بالاخره هانی می‌نویسد: "... کما سأعرف من البرنس فیما بعد... لکنه لم یذکر ذلک لا علی العشاء و لا فیما بعد ..." (عبدالنبي، ۲۰۱۷: ۲۰۱)

" سأعرف" تکرار یادآوری این مطلب است که آنچه هانی می‌نویسد صرفاً تجربیات خود او نیست بلکه گاهاً شنیده‌های اوست پس امکان عدم صحت وجود دارد. این پیش گویی خواننده را آماده شنیدن چیزهای شگفت انگیزی درباره عبدالعزیز می‌کند، فردی که تا اینجای داستان کاملاً موجه است و به همین دلیل اصلاً رابطه او را با ماجرای هانی متوجه نمی‌شود. از سوالات مهمی که ذهن خواننده را درگیر کرده این است که چرا کسی با موقعیت و جایگاه خانوادگی عبدالعزیز چیزی از خانواده‌اش نمی‌گوید. هانی با شک در این باره می‌نویسد که او از خانواده‌اش خجالت می‌کشد و البته این احتمال دارد که چیزی در گذشته وجود دارد که برای عبدالعزیز ناخوشایند است. به هر حال راوی خواننده را با خود همراه می سازد تا مطمئن شود علت چیست.

گاهی آینده نگری برای بیان روزهای مبهم آینده است که هانی آرامش و اطمینان را در آن روزها به خود نوید می‌دهد اما مطمئن نیست که چه پیش خواهد آمد و گاه سرگردانی حاصل از بیماری ناگهانی مادرش باعث آشفتگی روحی او می‌شود. در نهایت با فوت مادر از همه کناره گرفته و تلاش دیگران برای بازگرداندن او به زندگی ناکام می ماند. تنها فردی که وارد این حصار می‌شود عبدالعزیز است: "بل نبکي أیضاً الوحدة التی عشناها، و تلک التي سنعیشها، ولکن معاً هذه المرة." (عبدالنبي، ۲۰۱۷: ۲۵۱)

او که در کودکی مادرش را از دست داده با هانی که در بزرگسالی و فقط چند روزی از فوت مادرش گذشته همدردی می‌کند. هانی از این واقعه برای رسیدن به هدفش و نزدیک شدن بیشتر به عبدالعزیز استفاده می‌کند و نشان می‌دهد که حتی موقعیت‌های دردناک خللی در مسیر او ایجاد نمی‌کند. هانیِ روایت در آشنایی با کریم که شهرزاد قصه گوی دوران زندان و از دیگر شخصیت‌های پر کنش داستان است از پرش زمانی برای بیان ادعایی استفاده کرده که رنگ و بویی اعتقادی دارد: "... حکایاته العجیبة، التي لم أعد أهتم بأن أعرف أکانت وقائع جرت له فعلاً أم أنها

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

لا تختلف كثيراً عن رؤيا الغلام الكردى الأشقر الذي سيهزم كل الأديان؛ من أجل أن يُعلي كلمة قوم لوط في آخر الزمان." (عبدالنبي، ۲۰۱۷: ۲۵۹)

هر چند که این رویاها و تخیلات به گذشته بر می‌گردد اما با فعل آینده از آن‌ها حرف می زند آینده‌ای نزدیک که انگار خود راوی به وقوع آن امید دارد و منتظر روز انتقام از تمام ادیان است. آنچه درباره غلام کردی در اینجا آمده اشاره به ادعایی است که این را روایتی از جانب پیامبر می‌دانند. کریم با این قصه‌ها هم حال هانی را بهتر می‌کند و هم به خواننده درس می‌دهد مثل آنچه درباره شروع زندگی مادرش در اتاقی کوچک که محل تولد خود او بوده و در نهایت نیز به آنجا بر می‌گردد. این همان دنیای کوچکی است که ما در آن زندگی می‌کنیم. پیشوازهای زمانی آموزنده دیگری همچون رفتارهای عبدالعزیز با اسماء در سفر تفریحی به اسکندریه از موارد تعلیمی این رمان محسوب می‌شود تا این داستان صرفاً قصه‌ای برای مطالعه نباشد.

مولفه تداوم

دومین مقوله‌ای که ژنت به آن می‌پردازد تداوم یا دیرش است. وی تداوم را به معنی نسبت میان زمان متن و حجم متن به کار می برد و از آن برای تعیین ضرباهنگ و شتاب داستان استفاده می‌کند. (تولان، ۱۳۸۳: ۶۱) ژنت معتقد است که مقایسه‌ی تداوم زمان روایت یا سخن روایی با طول زمان داستانی که بازگو می‌شود عملی بسیار دشوار است و کسی قادر به اندازه‌گیری طول زمان روایت نیست. به همین جهت سرعت روایت با ارتباط میان تداوم زمانی (طول زمان داستان که با ثانیه و دقیقه و... اندازه گیری می‌شود) و طول (طول متن که با خط و صفحه اندازه گیری می‌شود) مشخص می‌شود. (ژنت،۱۳۹۸: ۵۷) بنابراین با توجه به آنچه بیان شد در رابطه با زمان داستان و حجم اختصاص یافته به آن چهار حالت در تداوم روایت ایجاد می‌شود که شامل: الف)درنگ توصیفی: رویدادها همراه با توصیف و تفسیر روایت می‌شوند به گونه‌ای که زمان حکایت در آن تعطیل شده و نوعی استراحت زمانی در جریان روایت برقرار می‌شود تا به وسیله آن زمان گفتمان افزایش یابد یعنی اینکه زمان داستان از حرکت باز می‌ایستد؛ به واقع هیچ کنشی صورت نمی‌گیرد. (حسن القصراوی، ۲۰۰۴: ۲۴۷) از موارد پرکاربرد در رمان في غرفة العنكبوت استفاده از تکنیک درنگ توصیفی است که می‌توان در مباحث مختلفی همچون توصیف، فراوانی افعال انشایی و لحن پرسشی نویسنده، حدس و گمان درباره شخصیت‌ها و عقاید مذهبی بررسی کرد. با استفاده

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

از آن لایه‌های زیرین روایت به خواننده نشان داده و به فراخور حوادث یا معرفی اشخاص به توصیف مکان ها، اشیاء، احساسات و اشخاص می‌پردازد تا زمینه برای آشنایی با شخصیت روانی هانی و حتی افراد دیگر در رمان فراهم شود. این توصیفات گاهی آنقدر زیبا و با تمام جزئیات بیان شده که خواننده خود را به وضوح بخشی از آن می بیند بنابراین به خوبی آن احساس را درک می‌کند. روزهایی که هانی در زندان گذرانده با کششی فوق العاده مخاطب را در آن فضا قرار می‌دهد:" لم تكن تتوفر مياه في الحمّام البشع طوال النهار، إلا مدّة ساعة واحدة ما بين الخامسة و السادسة مساءً ... وزعّوا علينا بطانية لكل واحد، و كانت وسائدنا عند النوم هي أحذيتنا ... لا زيارات، و لا خطابات، و لا اتصال بالخارج من أي نوع..." (عبدالنبي، ۲۰۱۷: ۲۵۷)

با این تصویر سازی از وضعیت زندان علاوه بر ترسیم شرایط نامساعد، تلاشی برای وارد کردن روایت‌شنو به بطن ماجرا است. تصویری که از دیگر افراد دربند مقابل دیده‌های خواننده قرار می‌گیرد او را با وضعیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی جامعه آن زمان آشنا می‌کند چرا که این افراد نیز طیفی از اعضای جامعه مصر هستند که در ضمن آن به تمایلات سیاسی دولت نیز اشاره می‌شود. این واگویه‌های هانی به نتیجه‌ای تأمل برانگیز ختم می‌شود که همگی به خاطر یک چیز آنجا جمع شده اند و آن هم خشم بزرگان از آن‌هاست. اهمیتی که این جمله دارد راوی آن را به صراحت و بدون هیچ زیاده گویی بیان می‌کند تا بتواند اثری مستقیم بر افکار خواننده بگذارد.

خلق اتاق مندرس محل زندگی کریم سعدون و مادرش از وقفه‌های زیرکانه‌ای است که مخاطب را قادر می سازد تا عمق فقر کریم را حس کند. واقعه تاریخی کوین بوت مردابی از ابهامات است که هانی را وادار می‌کند تا بخشی از آن ها را بیان کند بنابراین زمان در رمان برای لحظاتی می‌ایستد بدون انکه کنشی رخ دهد. سوالات هانی بسیار تأمل برانگیز است و خواننده را درگیر افکار او می‌کند: " أهم طبيعيون حقاً؟ ماذا يُخفون وراء تلك الوجوه و الجماجم؟ مَن هو الشخص الطبيعي أساساً، كيف يكون؟ هل أولئك الذين عذّبونا و أهانونا طبيعيون؟" (همان، ۱۳۵) با این سوالات تمام بُن مایه‌های اعتقادی مخاطب را به چالش می‌کشد که واقعا به چه کسی عادی و به چه کسی غیر عادی گفته می‌شود؟ این تمایز را براساس چه چیزی می‌گذارند؟ و آیا افرادی که از شکنجه دیگر انسان ها لذت می برند عادی هستند؟

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

گاه نویسنده به جای لحن روایی، با نثری ادبی می‌نویسد و صحنه‌هایی رومانتیک، عاشقانه و البته هیجان و فرار از سکون و رخوت را ایجاد می‌کند. ایجاد وقفه نه تنها باعث شتاب منفی در داستان شده بلکه بهانه‌ای برای بیان عقاید و گرایش های مذهبی نیز شده است. هانی در لابه‌لای خاطراتش هم به خرافاتی که بین مردم رواج دارد و هم به نماز خواندن و زمزمه دعا توسط مادرش اشاره می‌کند. این بیان دوگانه هم می‌تواند نشان از اعتقادات کورکورانه مردم باشد و هم جهل آن ها نسبت به دین شان که باعث شده با خرافات عجین شود. هانیِ در خود فرو رفته از مصیبت فوت مادر، با قرائت سوره مریم به خود می‌آید:"أغمضتُ منصتاً لصوت المقرئ الشهير يكرر آيات من سورة مريم ملوّناً في أدائه، مرة تلو الأخرى." (همان، ۲۴۶) انتخاب این سوره توسط راوی یک انتخاب هوشمندانه و به عمد است. سوره مریم ذهن خواننده را به سرعت به ماجرای حضرت مریم و تولد حضرت عیسی (ع) و تهمت یهودیان به ایشان می برد سپس مخاطب به گذشته‌ایی نه چندان دور در زندگی هانی می‌رود زمانی که مردم مادرش را به خاطر شغل بازیگری نکوهش می‌کردند و خود هانی را نیز ناخلف می‌دانستند. اینها چند نمونه مختصر از ده‌ها نمونه‌ای است که در رمان می‌توان یافت که هر کدام با هدفی خاص آورده شده است.

ب)حذف: حذف رابطه میان زمان روایت و رمان داستان معکوس شده به طوری که هر چند زمان در داستان در حال گذر است اما در روایت زمانی سپری نمی‌شود. ژنت تحلیل حذف از منظر زمانی را بررسی زمان حذف شده در داستان می‌داند که از منظر شکلی آن را به دو نوع تقسیم می‌کند: حذف صریح که در آن مدت زمان حذف شده با اشاره مشخص می‌شوند؛ حذف های تلویحی که حتی به وجود آن ها در متن اشاره‌ای نمی‌شود و خواننده فقط از طریق شکاف های گاهشمارانه یا افتادگی در پیوستگی روایت متوجه وجودشان می‌شود. (ژنت،۱۳۹۸: ۷۳-۷۴)

محمد عبدالنبی با استفاده از تکنیک حذف برهه‌ای از زمان را برش می زند تا زمان سخن از زمان داستان فشرده و کوتاه تر شود و با این کار شتابی مثبت به سرعت داستان می‌دهد. گاهی راوی با بیان عبارتی کوتاه خواننده را از حذف زمانی آگاه می‌کند همچون زمانی که هانی کوچولو خوابی عجیب می بیند و مادرش او را وادار به سکوت می‌کند. با وجود آنکه او ترسیده و علت رفتار مادر را هم متوجه نمی‌شود اما سکوت می‌کند تا آنکه:"ما هو إلّا أسبوع أو أقل ومات جدي، ثم فوجئتُ بماما نفسها تكشف سرنا و تحكي لهم الحلم كأنها فخورة بي،..." (عبدالنبي، ۲۰۱۷: ۱۴)

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

این نوع حذف با عباراتی همانند چند هفته و چند روز در سراسر رمان می‌توان یافت. هانی در سیر زمانی گذشته در خاطرات پدربزرگش فهرستی از آنچه را که خانم بیبا به او آموخته را می‌نویسد تا اینکه سرانجام محمد محفوظ بعد از چند ماه موفق می‌شود اولین باترون خود را برش بزند. هانی فقط اشاره‌های کوتاهی به اتفاقات آن زمان می‌کند که این کار یا به عمد صورت گرفته چون ممکن است اتفاقات مهمی در این مدت نیفتاده باشد و یا شاید به علت نداشتن اطلاعات باشد. به هر حال راوی با حذف جزئیاتی که اهمیت چندانی ندارد به شتاب داستان کمک می‌کند.

گاهی راوی مقدار زمان حذف شده را صراحتاً برای خواننده مشخص نمی‌کند. هانی خاطره نویس که در حال کنکاش در گذشته است میدا را آنطوری که دوست دارد به تصویر می‌کشد: "أتخيله شاباً نحيفاً طويلاً رشيق القوام، بعينين عسليتين لامعتين، خفيف الحركة و حلو اللسان، و الأهم من ذلک كله صوته الرائق العذب. كان في سنواته الأخيرة، كلّما فاز بهدنة قصيرة مع السُعال الجاف و وجع المفاصل،..." (همان، ۱۵)

که ناگهان از جوانی به میانسالی می‌رود بدون آنکه چیزی از اتفاقات این مدت نسبتاً طولانی را بیان کند.

ج) تلخیص: راوی یا نویسنده برخی از روایت‌هایی را که قبلاً شکل گرفته‌اند را به صورت فشرده بازگو می‌کند همانطوری که ژنت می‌گوید: « رخدادهای چند روز، چند ماه یا چند سال در چند بند یا چند صفحه بدون جزئیات کنش ها یا گفته هاست.» (ژنت، ۱۳۹۸: ۶۴)

هانی که شنونده قصه‌های کریم در زندان است تبدیل به قصه گو می‌شود: "وجدتُ نفسي أحكي له أنا أيضاً، عندما عرفت بهوايته تلک، عن أبي و جدي، بجُمَل تتخبط عشوائياً، و بصوتي المتقطّع و أنفاسي الهاربي، عن الأتيليه القديم في شارع عدلي، و الهوانم و نجمات السينما، و لعبي بين أقدامهن طفلاً، حتى ذلّ لساني، و أخبرته بأن ماما هي الممثلة بدرية أمين،..." (عبدالنبي، ۲۰۱۷: ۲۶۸) خلاصه‌ای از خاطرات گذشته در اینجا آورده می‌شود تا مجبور به تکرار آنچه در صفحات قبل آمده نشود. با این کار هم از خسته شدن خواننده جلوگیری شده و هم ماجراهای تعریف شده دوباره برای خواننده تداعی می‌شود. راوی تکنیک خلاصه را گاهی از زبان خود شخص که در حال بیان زندگی‌اش است به تصویر کشده و گاهی این کار را با استفاده از بیان خاطرات از زبان هانی انجام داده است.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

د)صحنه نمایشی: برقراری تناظر زمانی بین واقعه و بازنمایی آن در روایت (برابر شدن مدتی زمانی که رخ دادن یک واقعه طول کشیده است با مدت زمانی که همان واقعه روایت شده است.) این شگرد روایی که ضرباهنگ داستان را آهسته می‌کند عملاً در گفت و گوها کاربرد دارد(یعنی خواندن گفت و گوی دو شخصیت در داستان تقریباً به اندازه مدت زمان انجام شدن آن گفت و گو وقت می برد.) (پاینده، ۱۳۹۷: ۲۱۹-۲۲۰)

از بارزترین نمودهای صحنه، گفتگوست در واقع عنصر گفتگو مانند آیینه ایست که احساسات و تفکرات شخصیت‌ها را به نمایش می‌گذارد و راوی علاوه بر آن می‌تواند آنچه که در ذهن شخصیت‌ها می‌گذرد را بطور مستقیم بیان کند. رمان في غرفة العنكبوت هر چند بیشتر بر پایه تک گویی های شخصیت اصلی روایت است اما راوی از این عنصر در مناسبت‌های مختلف بهره برده است. در فصل اول رمان که صحنه دستگیری هانی و عبدالعزیز را به تصویر می‌کشد از تکنیک گفتگو استفاده شده است. راوی حالت‌های شخص گوینده هر دیالوگ را بیان می‌کند تا خواننده نیز همان لحن و چهره‌ها را در ذهن خود ترسیم و از حداکثر تأثیر گذاری برخوردار باشد:"لكن التاني ده ما عرفوش، اوّل مرّة أشوفه.نظر كبير هم نحوي و سألني بسرعة لإرباكي: إنت "جاي"؟ فأجبتُه بصوت مرتجف: يعني إيه؟ فقال: طب تعال معانا يا حبيبي، و احنا نقول لک يعني إيه. ثم نظر نحو عبدالعزيز، و أمر عساكر: هاتوا ده كمان لمّا نشوف حكايته إيه." (عبدالنبي، ۲۰۱۷: ۱۱)

به هر حال گفتگو های بین شخصیت‌ها در داستان بسیار پراکنده، کوتاه و گاهی فقط یکی از دو طرف مکالمه صحبت می‌کند اما از طرف مقابل جوابی شنیده نمی‌شود و ممکن است در مقابل عملی از او سر بزند. به هر حال چه میزان این دیالوگ ها کم و کوتاه باشد و چه زیاد و بلند تفاوتی در ایجاد برابری زمان روایت و زمان داستان ندارد. تلاش راوی بر آن بوده تا اطلاعاتی را مستقیماً به خواننده بدهد هر چند می‌توانسته به روش های دیگر و با فضا سازی های متفاوت این کار را بکند. دیالوگ ها گاه بیان کننده احساسات گوینده هستند آنجا که کریم می‌پرسد: "سألني كريم: ده أبوک؟ فقلتُ له لاهثًا و كاتماً البكاء: صديقي، و في مقام أبويا." (همان، ۱۴۹) از پاسخ هانی می‌توان جای خالی مهر و عطوفت پدری و احساس کمبود حضور پدر را کاملاً حس کرد.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

مولفه بسامد

بسامد به تعداد دفعات روایت شدن یک واقعه یا نسبت بین دفعات رخ دادن یک واقعه و دفعات روایت شدن آن واقعه در داستان می‌پردازد.(پاینده،۱۳۹۷: ۲۲۰) « به طور کل می‌توان گفت روایت هر چه باشد می‌تواند یک بار آنچه را یک بار اتفاق افتاده، چند بار آنچه را یک بار اتفاق افتاده، یک بار آنچه را چند بار اتفاق افتاده است نقل می‌کند.» (ژنت، ۱۳۹۸: ۸۰) این آخرین رابطه میان زمان روایت و زمان داستان است که شامل سه نوع بسامد منفرد، مکرر و بازگو می‌شود. در رمان في غرفة العنكبوت بسامد منفرد وجه غالب بسامدهای رمان را تشکیل می‌دهد. در این نوع رویدادی که یک بار اتفاق افتاده یک بار بیان می‌شود. مثل قضیه فوت پدر و پدربزرگ و همچنین ماجرای فوت مادر بزرگ را همانطوری که در واقعیت یکبار اتفاق می‌افتد آن را یک بار هم بیان می‌کند: " ما هو إلّا أسبوع أو أقل ومات جدي،..." (عبدالنبي، ۲۰۱۷: ۱۴)

شیوه دیگری از بسامد منفرد به این صورت است که هر اتفاقی به هر تعدادی که رخ دهد به همان تعداد بیان می‌شود مثل آنچه که اشاره به شگفت انگیز بودن هانی می‌کند و خواب هایی که به حقیقت می‌پیوندد. خواب فوت پدربزرگ که در کمتر از یک هفته اتفاق می‌افتد و یا خواب جوراب قرمز گمشده‌اش که موضوعی کاملاً بی اهمیت است و محل آن را در خواب دیده و فردا صبح آن را در همان جایی که خواب دیده پیدا می‌کند.

در بسامد مکرر راوی با ذکر مکرر و متناوب رخداد و یا حالتی که یکبار اتفاق افتاده تلاش دارد تا توجه خواننده را به موضوع مد نظر خودش جلب کند و داستان را در راستای هدفش پرورش می‌دهد همچون ماجرای دستگیری هانی با عبدالعزیز که برای اولین بار که رخ می‌دهد آن را با تمام جزئیات در طی یک فصل تعریف می‌کند. سپس آن را با توجه به فضای داستان دوباره تکرار می‌کند.در جایی دیگر همچون ماجرای فوت خاله حسنیه بارها تکرار می‌شود و از آن برای فضا سازی های دلخواه استفاده می‌کند و یا زمانی که می‌خواهد خود را معرفی کند بارها این جمله "اسمم هانی محفوظ است" (عبدالنبی،۲۰۱۷: ۳۴۵) را می‌نویسد.

بسامد بازگو که در واقع حوادث و رخدادهایی را که چندین بار اتفاق افتاده فقط یک بار بیان می‌شود تا بدین وسیله به شتاب مثبتی در داستان برسد البته در هر موردی نیز هدف خاصی را دنبال می‌کند. از این نوع می‌توان به ترانه‌ای اشاره کرد که پرنس آن را عاشقانه دوست دارد و در واقع آن را

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]

تنها ارثیه برادرش می‌داند فقط یکبار و آن هم بخشی از آن را می‌آورد. هر چند این آواز را بارها و بارها از پرنس شنیده که آن را تکرار می‌کند اما هانی فقط یکبار به آن اشاره می‌کند. راوی با این عدم بیان ترانه به نوعی خواننده را کنجکاو می‌کند که بداند آنچه پرنس تنها ثروت خود می‌داند چیست و برای پی بردن به آن با هانی همراه می‌شود.

نتیجه گیری

با بررسی عنصر زمان در رمان في غرفة العنکبوت می‌توان به میزان اهمیت و کارکرد ویژه‌این تکنیک در پیشبرد هر چه بهتر داستان پی برد. شکل روایت در این داستان به صورت دایره وار است به طوری که داستان در همان نقطه شروع خود از لحاظ مکانی تمام می‌شود که نشان دهنده میزان نکته سنجی نویسنده است. از نظر زمانی نیز رمان في غرفة العنکبوت را می‌توان جزء آثار چند لایه در نظر گرفت که با شروع روایت اصلی در کنار آن و به صورت کاملاً طبقه بندی شده روایت‌های جانبی شکل می‌گیرند تا راوی را به هدف خود برسانند. این دسته بندی روایت‌های فرعی براساس میزان نقش شخصیت مورد نظر در روایت اصلی است که هر چه با شخصیت اصلی بیشتر ارتباط داشته و به بُن مایه داستان نزدیک تر، در سطح نزدیک تری نسبت به روایت اصلی قرار می‌گیرد.

محمد عبدالنبي با برهم زدن خط سیر زمانی روایت بوسیله پیشوازهای زمانی و بازگشت‌های زمانی، در ضمن این زمان پریشی شخصیت‌های داستان و اطلاعاتی درباره مسایل مختلف مصر در آن دوره زمانی را به خواننده انتقال بدهد. . نمودار زیر بیانگر میزان به کارگیری مولفه‌ها روایی در رمان في غرفة العنکبوت است

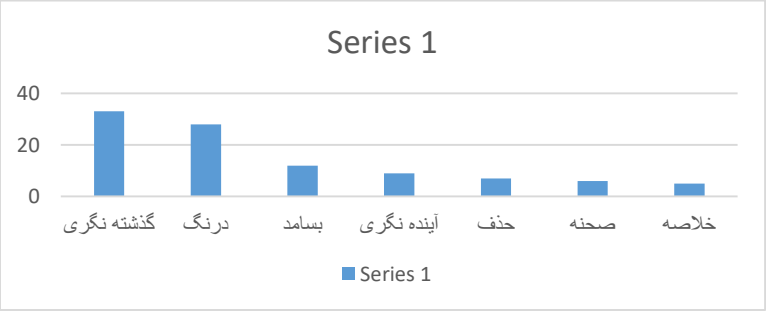

[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]

[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

از حیث مؤلفه‌های زمانی در حوزه نظم و ترتیب، گذشته نگری بیشترین کارکرد را در رمان داشته و در تداوم نیز از هر چهار عنصر درنگ، حذف، تلخیص و صحنه نمایشی به بهترین وجه استفاده کند. از مؤلفه بسامد برای ذکر وقایعی که در طول روایت رخ داده نیز بهره برده است. هر چند که رمان با قالب خاطره گویی و بازگشت‌ها زمانی همراه است و انتظار می‌رود که شاهد میزان بیشتری از بسامد بازگو باشیم اما نویسنده بیشتر از بسامد منفرد تا دیگر انواع آن استفاده کرده است. این نشان دهنده تسلط نویسنده بر موضوع و همچنین توانایی او در ایجاد صحنه‌های متنوع است. راوی قصد دارد تا با نشان دادن نسل های مختلف کنار یکدیگر بگوید تمام مصر در تمام اعصار گرفتار مشکل همجنسگرایی بوده و البته در مقیاسی بزرگتر همه بشریت با این ماجرا درگیر بوده‌اند و این فقط مخصوص یک قوم و آن هم لوط نبوده است. رمان في غرفة العنکبوت رمانی برگرفته از ماجرایی واقعی است که در تاریخ مصر ماندگار شده بنابراین جنبه واقعگرایی در آن نمود بارزی دارد. راوی در مسیر نقل سرگذشت هانی به عنوان یکی از قربانیات ماجرای کوین بوت شرایط و اوضاع جامعه مصر را به صورت مستقیم و غیر مستقیم نیز نشان می دهد. محمد عبدالنبي نویسنده ایی زبردست است که به جرأت می توان گفت به نظریه اسلحه چوخوف پایبند بوده و از آوردن هر کلامی بهره ای جسته است.

منابع و مآخذ

اخوت، احمد، (۱۳۷۱)، دستور زبان داستان، ترجمه: فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز.

ایگلتون، تری، (۱۳۸۶)، پیش درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه: مصطفی عابدینی فرد، تهران، نیلوفر.

پاینده، حسین، (۱۳۹۷)، نظریه و نقد ادبی؛ درسنامه‌ای میان رشته‌ای، چ اول، تهران، سمت.

تولان، مایکل جی، (۱۳۸۳)، درآمدی نقّادانه- زبان شناختی بر روایت، ترجمه ابوالفضل حری، تهران، بنیاد سینمایی فارابی.

جینت، جیرار، (۱۹۷۷)، خطات الحکایة؛ بحث فی المنهج، ترجمة: محمد معتصم و آخرون، ط۲، الرباط، المجلس الأعلی للثقافة، الهیئة العامة للمطابع الأمیریة.

حسن القصراوی، مها، (۲۰۰۴)، الزمن فی الروایة العربیة، ط۲، بیروت، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر؛ ط۱، بیروت: مؤسسة الإبحاث العربیة.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]

[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]

ریکور، پل، (۱۳۸۴)، زمان و حکایت (پیکر بندی زمان در حکایت داستانی)، ترجمه: مهشید نونهالی، چ۱، تهران، گام نو.

ریمون کنعان، شلومیت، (۱۹۹۵)، التخییل القصصی؛ الشعریة المعاصرة، ترجمة: حسن أحمامة، ط۱، الأردن: دار الثقافة النشر و التوزیع.

ژنت،ژرار، (۱۳۹۸)، گفتمان روایت: جستاری در باب روش، ترجمه: معصومه زواریان، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

عبدالنبی، محمد،(۲۰۱۷)، في غرفة العنكبوت، الإسكندرية، دار العين للنشر.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-11-18]

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.4.1]

REFERENCES

Okhovvat, A., (1371), *Story grammar*, translated by: Farzaneh Taheri, Tehran, publishing house.

Eigelton, T., (1386), *Introduction to Literary Theory*, translated by: Mostafa Abedini Fard, Tehran, Nilofar.

Payandeh, H., (2017), *Theory and literary criticism*, 1th Edition, Tehran, Samt.

Tolan, M. J., (1383), *A critical-linguistic introduction to narrative*, translated by Abolfazl Hori, Tehran, Farabi Cinema Foundation.

Jinet, G., (1977), *Khotat al-Hekaya*, translated by: Mohammad Moatasem and Akharoon, 2th Edition, Al-Rabat.

Hassan al-Qasravi, M., (2004), *Al-Zaman fi al-Revaya al-Arabiye*, 1th Edition, Beirut: Arab Research Foundation.

Ricour, P., (1384), *Time and story (configuration of time in a story)*, translated by: Mahshid Nonhali, 1th Edition, Tehran, Gam No Publications.

Reymon Kanaan, S., (1995), *Al-Takhyiil al-Qassasi; Contemporary poetry*, translated by: hasan Ahamamah, 1th Edition, Jordan: Dar al-sagafe Publications.

Genet, Gerrar, (2018), *Narrative discourse: an inquiry about the method*, translated by: Masoumeh Zavarian, Tehran, Samt.

Abdul al-Nabi, M., (2017), *In the spider's room*, Al-eskandria, Dar al-Ain Publications.

[DOI: 10.52547/jsal.6.1.79]